

## انترناسیونال

دوره دوم  
۲۳

جمعه، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۳

۷ مه ۲۰۰۴

هر سه شنبه و جمعه منتشر میشود

سردبیر: فاتح بهرامی

antenasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

اتهامات ۲ خردادی علیه  
حزب کمونیست کارگری  
صفحه ۴اعتراض اتحادیه های کارگری به  
جمهوری اسلامی  
صفحه ۴تقاضای پایان دادن به اعتصاب غذا  
اصغر کریمی  
صفحه ۲

## دستگیر شدگان اول ماه مه سقز باید فوراً آزاد شوند

صفحه ۴



## منصور حکمت متعلق به بشریت متمدن است

مصاحبه با حمید تقوایی درباره هفته منصور حکمت

های او به تئوری مارکسیسم، نقد عمیق و سازش ناپذیر او به دنیای سرمایه داری معاصر که از انساندوستی بی شائبه و بی قید و شرط وی ناشی میشود و بالاخره خصوصیات والای شخصیت او، اینها را باید به دنیا شناساند. هفته منصور حکمت فرصتی است تا حزب و جنبش ما، و همه کسانی که منصور حکمت را میشناسند و عزیزیش میدانند،

صفحه ۲

او متعلق به همه آزادیخواهان و انقلابیون جهان و متعلق به همه انسانهای شریفی است که دنیای موجود را نمیپذیرند و خواهان یک دنیای بهترند. جامعه جهانی باید منصور حکمت را بشناسد. این حق او و نیاز اوست. افکار و ایده های منصور حکمت، حجم عظیم نوشته ها و آثاری که ثمره ارزشمند دوره کوتاه زندگی پر بار اوست، فعالیتهای پیگیر سیاسی و تشکیلاتی او در پایه گذاری جنبش و احزاب کمونیست کارگری در ایران و عراق، درافزوده

معاصر به جامعه است. اینکه مشخصاً چرا ۵ تا ۱۲ ژوئن انتخاب شده به این دلیل است که این هفته با روز تولد منصور حکمت، ۴ ژوئن، شروع میشود. این خود نشان میدهد که منظور از اعلام این هفته، یادبود و یا صرفاً ادای احترام به منصور حکمت نیست. بلکه هدف معرفی افکار و نظرات و آثار او در سطح هر چه وسیعتری به جامعه، و نه فقط در ایران بلکه جامعه جهانی است. منصور حکمت صرفاً رهبر یک حزب و یا یک جنبش نیست،

انترناسیونال: حزب در اطلاعیه ای هفته منصور حکمت را در ۵ تا ۱۲ ژوئن اعلام کرده است. علت و مناسبت تخصیص این هفته به منصور حکمت چیست؟ و حزب چه نوع فعالیتهایی برای این هفته در نظر دارد؟  
حمید تقوایی: علت تخصیص یک هفته در سال به منصور حکمت، همانطور که کورش مدرسی مفصلاً در دو شماره پیش نشریه انترناسیونال توضیح داد، معرفی و شناساندن هر چه بیشتر این انقلابی بزرگ و گرانقدر دنیای

حمید تقوایی

ستون اول

شکنجه زندانیان در عراق:

چهره عریان  
تروریسم دولتی  
آمریکا

با افشای مساله شکنجه زندانیان سیاسی در عراق بحران آمریکا و متحدینش در عراق ابعاد وخیمتری بخود گرفت. معلوم شد که نه تنها وعده دموکراسی و حقوق بشر برای مردم عراق تماماً پوچ و خالی از محتواست بلکه مدعیان دموکراسی در اعمال جنایتکارانه ای نظیر شکنجه زندانیان دست کمی از رژیم صدام ندارند. این چهره واقعی نظم نوین جهانی است که آمریکا و متحدینشان در حال پیاده کردن آن در عراق و خاورمیانه اند. جامعه ای بحران زده و از هم گسیخته، با ناجیان جنایتکار و شکنجه گر و تروریسم اسلامی افسار گسیخته ای که از این مرداب ارتزاق میکند و به جنایات خودش توجیه سیاسی میدهد. این ارمغان سردمداران نظم نوین جهانی برای مردم عراق است.

واقعیت اینست که این نوع جنایات برای ارتش آمریکا و انگلیس اتفاق تازه و

صفحه ۲

## سخنی با معلمان

مظفر محمدی



و این تبعیض غیر قابل تحمل است. حالا بیا و به این زندگی فلاکتبار، فشار پلیسی و حراست و تفتیش عقاید و متون درسی اسلامی و شرعی و حجاب اجباری زنان معلم و دختران دانش

صفحه ۳

گفتم، اگر امروز از هر معلمی پرسند که مساله چیست؟ فقط یک جواب دارد: "جان به لبمان رسیده است". میدانم، حرف از شرایط زندگی معلمان تکراری و حتی آزار دهنده است. اما چاره ای دیگر جز گفتن و تکرار آن که جزیی از تلاش برای تغییر آن است نیست. شرایط کار و زندگی معلمان قابل تحمل نیست. "معلم صد هزار و نماینده یک میلیون" یک واقعیت غیر قابل انکار است

میخواهید و این کانون و حرف از مبارزه و حق و حقوق چیست؟ گفتم، اولاً همین پول استثنایی آخر سال به گرد پای تورم سرسام آور نمیرسد، ثانیاً، بجز غم نان، خیلی چیزهای دیگر هم هست که کمتر از نان اهمیت ندارند. مثل آزادی و ... منظور از یادآوری این خاطره این است که باهم حرفی بزنیم. نکاتی را یادآور شویم و سوالاتی را پاسخ بدهیم. در مقایسه با آن دوره که

پس از تشکیل کانون معلمان سندج در بهار ۵۷، یعنی حدود یک سال قبل از انقلاب بهمن، وقتی مرا به اداره اطلاعات (ساواک) خواستند، اولین سوالشان این بود که چقدر حقوق میگیرید؟ گفتم نوروز آنقدر پول رسید که شمردهش آسان نبود. دو ماه حقوق یکجا و کلی مزایا و عیدی و غیره پول کلانی شده بود. گفتند، حالا که شما معلمان این همه پول میگیرید دیگر چه

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## تقاضای پایان دادن به اعتصاب غذا توسط دستگیر شدگان اول مه سقر

### دوستان گرامی زندانی

خبر بسرعت در سراسر جهان پیچیده است و افکار عمومی جهانی، سازمانهای کارگری و مردم شرافتمند از چهارگوشه دنیا اعتراضشان را شروع کرده اند. در شهرهای کردستان و سایر نقاط ایران تحرك چشمگیری برای آزادی شما براه افتاده است.

هجوم جمهوری اسلامی به میتینگ اول مه در سقر و به زندان انداختن شما موجی وسیع و قدرتمند از اعتراض به این حکومت جنایتکار را در سراسر جهان بدنبال خواهد داشت.

جمهوری اسلامی اینبار خیلی سریع پی برد که فشارهای جهانی و داخلی سریع و کوبنده خواهد بود. جا دارد از شما تقاضا کنم به اعتصاب غذایتان پایان دهید. لزومی ندارد جسم خود را اینگونه تحت فشار قرار دهید. این شیوه‌ای نیست که هرروز بر قدرت آن افزوده شود برعکس نیروی شما را به تحلیل میبرد. این شیوه‌ای نیست که گسترش یابد برعکس به مرور زمان از ابعادش کاسته میشود. تجربه منفی

اعتصاب غذای کارگران بهشهر در خرداد سال قبل جلو چشم همه ما است. تردید نداشته باشید که پایان اعتصاب غذا شکستی برای شما نخواهد بود. شما فی الحال مورد حمایت وسیعی قرار گرفته اید و موج گسترده حمایت از شما هنوز در راه است. مطمئن باشید حزب کمونیست کارگری نیز مثل همیشه همه نیروی خود را برای گسترش اعتراض به حکومت اسلامی، در ایران و در سراسر جهان، بکار خواهد انداخت.

لطفا اعتصاب غذایتان را پایان دهید. تصور میکنم در آنصورت گوشه‌ای از دل نگرانی همسران و فرزندان شما نیز کاهش خواهد یافت.

با امید به آزادی هرچه سریعتر شما و با آرزوی موفقیت

### اصغر کریمی

۱۷ اردیبهشت ۸۳

و برگزاری نمایشگاههای عکس و فیلم، گذاشتن میزهای کتاب ویژه و پخش وسیع آثار و نوشته های او در داخل و خارج کشور در دستور کار حزب است.

### انترناسیونال: برای سالگرد

درگذشت منصور حکمت چه برنامه ای دارید. آیا برگزاری هفته منصور حکمت به این معناست که مراسم سالگرد درگذشت منصور حکمت دیگر مانند سالهای گذشته برگزار نمیشود؟

### حمید تقوائی: هفته منصور

حکمت و مراسم سالگرد درگذشت او دو پدیده متفاوتند و هر يك اهميت و جایگاه خود را دارند. سالگرد مرگ منصور حکمت روزی برای یادبود او و بزرگداشت اوست. روزی است که دوستدارانش در گورستان هایگیت بر مزارش گرد می آیند و یاد عزیزش را گرامی میدارند. روزی است که یکبار دیگر علاقه و پیوند ناگسستنی خود با منصور حکمت را ابراز میدارند و با او تجدید عهد میکنند. این يك مراسم مرکزی است که در روز ۱۰ ژوئیه در گورستان هایگیت لندن برگزار میشود و در همانروز جلسه یادبود و سخنرانی هم برگزار خواهد شد. این مراسم از طرف آذر ماجدی فراخوانده شده و دو حزب کمونیست کارگری ایران و عراق نیز در آن شرکت خواهند داشت و همه علاقمندان را به شرکت در آن دعوت میکنند. از طرف حزب ما و حزب کمونیست کارگری عراق در این مراسم سخنرانی هائی در یادبود و بزرگداشت منصور حکمت ایراد خواهد شد. هم اکنون آذر ماجدی و حزب طی اطلاعیه هائی این مراسم یادبود را اعلام کرده اند و برنامه مشروح آن نیز بعدا باطالع عموم خواهد رسید. \*

### از صفحه ۱ مصاحبه با حمید تقوائی

جنبشهاست. بشریت متملن باید منصور حکمت را بشناسد و با افکار و زندگی پربر او آشنا شود.

**انترناسیونال:** حزب در این هفته چه فعالیتهائی را در دستور دارد و قرار است چکار کند؟

**حمید تقوائی:** حزب فعالیتهای وسیع و متنوعی را برای این هفته در دستور خود دارد. ابتدا این نکته را روشن کنم که ما برای این هفته مراسم مرکزی حزبی نخواهیم داشت. چون اصولا همانطور که گفتیم علت تعیین این هفته برگزاری يك یا چند مراسم و گردهمایی در یادبود منصور حکمت نیست بلکه شناساندن نظرات و افکار منصور حکمت به جامعه است. حزب در این هفته فعالیتهای ویژه ای در ایران خواهد داشت، البته تا آنجا که شرایط اختناق اجازه میدهد. در خارج از ایران در کشورهای مختلفی از جمله آلمان، سوئد، کانادا، انگلیس و غیره جلسات سخنرانی و بحث و گفتگو در مورد نقطه نظرات و عقاید منصور حکمت حول مسائل مختلف برگزار خواهد شد. تاریخ و محل این جلسات و اسامی سخنرانان و موضوعات مورد بحث را بزودی اعلام خواهیم کرد. در این هفته همچنین انجمن مارکس-حکمت در لندن جلسه سخنرانی دارد که اطلاعیه آن منتشر شده است. رادیو و تلویزیون و نشریات حزبی نیز در این هفته نوشته ها و برنامه های ویژه ای در معرفی منصور حکمت خواهند داشت. بعلاوه فعالیتهائی نظیر مصاحبه با رسانه ها در کشورهای مختلف، و انتشار پوستر

بظور ویژه و متمرکز به این مهم پردازند. فرصتی است تا در روزنامه ها و در رسانه های جمعی، در میتینگها و سخنرانیها و سمینارها از منصور حکمت سخن گفته شود و افکار و نظرات و آثارش مورد بحث و بررسی قرار بگیرد، در ایران و در تعداد هر چه بیشتری از کشورها در سطح دنیا. سعی ما بر اینست که در هفته منصور حکمت چنین فعالیتهائی در اشکال مختلف و در سطح هر چه وسیعتری انجام بشود و بویژه باید بر این تاکید کنم که هدف ما اینستکه این فعالیتهای منحصر به احزاب کمونیست کارگری نباشد و نهادها و سازمانها و افراد و شخصیتهایی که منصور حکمت را میشناسند و او را نماینده و سخنگوی خود در امر و جنبش خاص خود میدانند نیز قدم جلو بگذارند و در این هفته در شناخت و شناساندن عمیقتر و همه جانبه تر این شخصیت برجسته عصر ما فعال شوند. از متفکرین مارکسیست در جنبش چپ جهانی تا فعالین و اکتیویستهای جنبش کارگری، از فعالین جنبش جهانی علیه نظم نوین و میلیتاریسم و قدر قدرتی آمریکا تا جنبش سکولاریستی علیه اسلام سیاسی، از طرفداران حقوق مدنی مردم در ایران تا طرفداران مدرنیسم و مدنیت در برابر شرفزدگی و آل احمدهای پلاستیکی، از پناهندگان ایرانی در سراسر جهان و پناهندگان افغانی در ایران تا مخالفین حجاب کودکان و قتلهای ناموسی در سوئد، از جوانان خواهان يك زندگی شاد و آزاد تا زنان معترض به سنگسار و آپارتاید جنسی، و از طرفداران تغییر خط فارسی تا مخالفین مجازات اعدام، منصور حکمت شخصیتی متعلق به همه این افراد و همه این

### از صفحه ۱ ستون اول

بغداد مشغول آنست. راست حاکم بر آمریکا با تروریسم اسلامی در جبهه مقابلش از نظر بینش و فلسفه سیاسی همسو و هم جهت است. دعوا بر سر رام کردن و تحت کنترل در آوردن اسلام سیاسی است و نه حذف و ریشه کن کردن آن. در افغانستان، در ایران و امروز در عراق آمریکا بروشنی نشان داده است که آنچه مورد اعتراض اوست تناقض اسلام سیاسی با منافع آمریکا است و نه تضاد آن با منافع مردم کشورهای اسلامزده. ارتجاع سرمایه داری بازار آزاد که در دنیای بعد از سقوط شوروی میدان بلامنازعی برای تاخت و تاز پیدا کرده نماینده آزادی و تمدن و مدنیت نیست، برعکس نماینده ارتجاعی ترین و کهنه و پوسیده و عقب مانده ترین سیاستها و افکار و عقایدی است که تا چند دهه قبل جریاناتی جوامع غربی بودند. اگر این ارتجاع راست افراطی در غرب میداندار نمیشد اصولا اسلام سیاسی نیز زمینه ای برای ابراز وجود پیدا نمیکرد. این دو تیغه تروریسم معاصر در برابر انسانیت و تمدن و مدنیت جبهه واحدی را تشکیل میدهد. نوبت که به انسان و آزادیخواهی و برابری طلبی میرسد تروریسم امروزی و قرون وسطائی هردو به زبان واحدی سخن میگویند. و شکنجه زندانیان در ایران جمهوری اسلامی مخالف آمریکا و در عراق تحت کنترل آمریکا نشاندهنده آنست که در جنایت علیه بشریت به نحو واحدی نیز عمل میکنند.

استثنائی نیست. این ارتشها را با این روش و روحیه بار آورده اند. این ارتشها در کره و ویتنام و سومالی و در هندوستان و فالتکلند و ده ها کشور آسیائی و آفریقائی و آمریکای جنوبی که در چند دهه گذشته به آن هجوم برده اند کارنامه ای بجز جنایت علیه مردم ندارند. این نوع جنایات برای ارتش آمریکا و انگلیس و دیگر همپیمانانشان استثنا نیست، قاعده است.

آنچه در مورد عراق تازگی دارد فعال میاشائی اسلام سیاسی و تروریسم مذهبی - ناسیونالیستی در جبهه مخالف آمریکا است. شکنجه زندانیان یکبار دیگر بر این واقعیت تاکید میکند که نتوکسنسرواتستیهای حاکم بر آمریکا با بعثیون و اسلاميون مخالفشان از يك سنخ اند. سیستم فکری و ارزشی یکسانی در مورد "دشمن" و "خارجی" و اسیر و زندانی دارند و آنچه در فلسفه سیاسیشان محلی از اعراب ندارد انسان و ارزشهای انسانی است. اگر آقای پل برمر را شهردار نیویورک میکردند و مقاومت نیروهای مترقی نظیر گروههای چپ و اتحادیه های کارگری و سازمانهای فمینیستی را از مقابلش برمیداشتند آنوقت ایشان نیویورک را کامیاب به بغداد دیگری بدل میکرد. زنان را به خانه میفرستاد، اتحادیه های کارگری را منحل میکرد، مذهب را به مدارس و به مرکز جامعه بر میگرداند، زندانها را از فعالین جنبشهای چپ و مترقی و همجنس گرایان و فمینیستها و سیاهپوستان و رنگین پوستان می انباشت و با زندانیان همان میکرد که الان در

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**  
**زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

## از صفحه ۱ سخنی با معلمان

آموز و غیره را اضافه کن که فضای مدارس را تنگ، غیر انسانی و غیر قابل تحمل کرده است. این فشارهای مضاعف و طاقت فرسا جان را به لب معلمان رسانده است. کار دوم و سوم و خود را به هر دری زدن هم دیگر کارساز نیست.

آیا معلمان از چنان موقعیت اجتماعی و نیروی لازم برخوردارند که خواسته‌هایشان را به کرسی بنشانند؟ آیا همه معلمان در مورد موقعیت اجتماعی و ظرفیت مبارزاتی‌شان متفق القولند؟

معلمان از موقعیت اجتماعی و شخصیتی بسیار خوبی در جامعه برخوردارند. این قشر محبوب به هیچ کسی بدهکاری ندارند و صمیمانه و دلسوزانه نسله‌ها را آموزش و پرورش می‌دهند. میلیون‌ها دانش آموز از متحدین معلمانند، معلمان میلیون‌ها انسان سمپات، دوست و متحد خود در میان خانواده دانش آموزان را دارند. معلمان سمپاتی و دوستی وسیع اجتماعی را پشت سر دارند. این را تک تک معلمان و بخصوص رهبران و فعالین مبارزه معلمان باید بدانند. برسمیت شناختن این توازن قوای اجتماعی از جانب معلمان و تشکلهای نمایندگانشان یک شرط اساسی برای برداشتن گامهای محکم و بدون تزلزل و قاطعیت آنها در پیگیری خواسته‌های عادلانه و فوریشان است.

متأسفانه تاکنون نه نیروی خود معلمان به تمامی به میدان آمده و نه سمپاتی و وسیع اجتماعی پشت خواسته‌های عادلانه و انسانی معلمان بسیج شده است. میشود گفت که نیروی اکتیو در مبارزات کنونی، یکصدم کل نیروی اجتماعی معلمان نیست. معلمان میتوانند و باید با استفاده از این نیروی عظیم اجتماعی که دارند، رژیم را سر جایش بنشانند. باید کاری کرد که آنها با عجز و لابه در پیشگاه نیروی عظیم و اجتماعی معلمان سر فرود آورند و به خاطر بلایی که تاکنون سر معلمان و خانواده‌هایشان آورده اند، طلب و تمنای بخشش کنند.

## از کجا باید شروع کرد؟

قبل از هر چیز باید صفوف خود معلمان، تشکلهای و نمایندگان شان را منسجم و یکپارچه و هماهنگ کرد. ناآمادگی، پراکندگی و ناهماهنگی های کنونی در میان نمایندگان

معلمان انعکاس خود را در نشست ۲۷ فروردین تهران با مزدوران رژیم نشان داد. در نشستهای دیگر در سطح استانیها هم ما شاهدش هستیم. این ناآمادگی و پراکندگی را در تحصن های معلمان در مدارس هم میبینیم. در نشست تهران تعدادی از نمایندگان معلمان تحت فشار مسؤلان آموزش و پرورش و اطلاعات رژیم و تهدید و وعده و عیده‌های فریبکارانه شان، به الغای تعهدات و توافقات قبلی خود که در نشست یزد داشته اند تن میدهند و توافق دیگری را امضا میکنند. مزدوران رژیم روی این وضعیت متفرق و ناآمادگی و پراکندگی نیروی معلمان سرمایه گذاری میکنند. این معضل باید سریعاً حل و این حربه از دست دشمن گرفته شود.

اولا معلمان نباید فکر کنند که نمایندگانی انتخاب کرده و خود به خانه برمیگردند. همه معلمان باید با چشمان باز و روزمره روند مبارزه را پیگیری کنند و در مقابل هر تعرض رژیم یا بیتفاوتی و یا فشار بر نمایندگان معلمان آماده عکس العمل مناسب باشند. از طرف دیگر نمایندگان معلمان باید مدام توده وسیع معلمان را در جریان مذاکرات و پیشرفت یا رکود کارها قرار دهند. باید مزخرفات و تهدیدهای مدیر کل ها و مسؤلان دولتی و اطلاعاتی را به هر وسیله ممکن از جمله در اطلاعیه های خبری به اطلاع عموم معلمان برسانند. باید فشارهای وزارت آموزش و پرورش و اطلاعات و تهدیدهایشان را افشا کرد. باید با قدرت و یکپارچه و مصمم وارد مذاکره با مسؤلان مربوطه شد. باید با صراحت جواب هارت و پورتهایشان را داد. باید به اینها گفت که مسئول عواقب جنایاتشان در حق میلیونها معلم و خانواده هایشان هستند!

## اشکال و شیوه های مبارزه متنوع است

برای يك مبارزه فراگیر و سراسری، باید در اشکال و شیوه های آن انعطاف و تنوع را همواره مد نظر داشت. برای مثال تحصن سراسری در مدارس حدی دارد و دو سه روز بعد خود معلمان و دانش آموزان را هم خسته میکند. در مدت تحصن چه باید کرد سوالی است که باید جوابش

را داد. چه فعالیتهای جانبی مثل ورزش، هنر، موسیقی، سخنرانی و سمینارها و غیره جای درس و کلاس را میگیرد؟ باید این روشها مرتب عوض بشوند.

اعتصاب سراسری و تعطیل کردن مدارس موثرترین روش مبارزاتی است. اجتماعات بزرگ معلمان و دانش آموزان با برنامه های از پیش تعیین شده، تجمع در جلو ادارات آموزش و پرورش، پخش اطلاعیه های روشنگرانه خطاب به جامعه و مردم و بویژه خانواده دانش آموزان و به خود دانش آموزان، مجامع عمومی معلمان در سطح شهر و یا تقسیم مدارس به بخشهای مختلف برای آسان شدن گردهماییهای معلمان، گردهمایی مشترک معلمان و دانش آموزان، دعوت والیدین دانش آموزان به گردهمایی در مدارس و جلب حمایتشان و... و دهها روش و شیوه کار میتواند مورد استفاده قرار گیرد و بر اساس آمادگی و توازن قوا آن را تغییر داد، این آمادگی و توازن قوا به ما میگوید در يك شیوه مبارزه تا کجا پیش برویم و کجا عقب بنشینیم و شیوه مناسب دیگر را برگزینیم.

مذاکره نیز يك تاکتیک و شیوه مبارزه برای طرفین دعوا است. برای مثال نمایندگان تشکلهای معلمان میبایست قبل از پذیرش دعوت وزارت آموزش و پرورش و اطلاعات و سازمان مدیریت و برنامه ریزی به تهران به تبادل نظر باهم مینشستند که آیا رفتن به این نشست لازم است یا نه. آیا آمادگی شرکت در چنین نشستی را دارند؟ آشکار است که با آن ناآمادگی که معلوم بود وجود دارد، میشد تن به این نشست نداد، از آن طفره رفت و در عوض به تقویت صفوف خود و بسیج و آماده کردن معلمان برای اعتصاب یک هفته ای که همه منتظرش بودند، پرداخت. ما باید به نشستی میرفتیم که اولاً برای

مذاکره بر سر کل خواسته‌هایمان باشد، دوما آمادگی لازم را برای فشار بر دشمن داشته باشیم و اگر زورمان هم نرسید، بدون توافق برمیخاستیم و تصمیم در مورد عکس العمل به این نشست را به بعد موکول میکردیم. آنها نمیتوانستند به زور ما را به امضای چیزی به نام توافق نسبی مجبور کنند.

## پاسخهای ناچیز رژیم به خواسته‌های اساسی معلمان قابل قبول نیست

رژیم تاکنون در مقابل خواسته‌های معلمان به عقب نشینی‌هایی وادار شده است. اما این پاسخ ناچیزی به خواسته‌های معلمان است. باید حقوق ماهانه معلمان به حداقل ۵ برابر افزایش یابد، باید طرح ارتقای شغلی بدون قید و شرط شامل همه معلمان اعم از ابتدایی و شاغل و بازنشسته شود، باید حق مسکن معلمان داده شود، خانه های مسکونی مدرن و مناسب و به اندازه کافی و با قیمت ارزان برای معلمان ساخته شده و در اختیارشان قرار گیرد. باید به تفتیش عقاید در مدارس پایان داده شود. دستگاه جاسوسی حراست در مدارس برجیده شده و دروس مذهبی و مراسم مذهبی و شرعی از کتابهای درسی و مدارس حذف گردند. مذهب باید از آموزش و پرورش جدا گردد. آزادی بیان محترم شمرده شود و حق اعتصاب و تشکل معلمان برسمیت شناخته شود.

اینها حداقل خواسته‌هایی است که باید فوراً برآورده شوند. نیروی کمی و کیفی معلمان و حمایت دانش آموزان و خانواده هایشان و سمپاتی اجتماعی به معلمان زحمتکش و شریف برای تحقق این خواسته‌ها کفایت میکند. باید این نیرو را به میدان آورد.

## دوستان!

## از صفحه ۴ اعتراض اتحادیه های کارگری

محمود صالحی، جلال حسینی، برهان دیوانگرد، محسن حکیمی، فخر الدین واصلی، اسماعیل خودکام. اینها مدافعان حقوق کارگران هستند. از موضع همبستگی بین المللی من از شما آقای رئیس جمهوری میخواهم که برای آزادی فوری دستگیر شدگان

دست به اقدام سریع بزنید.

کمپین حزب کمونیست کارگری برای آزادی فوری همه دستگیر شدگان اول مه سقر تا آزادی فوری همه دستگیر شدگان ادامه خواهد یافت. به این کمپین بپیوندید و صف دفاع از حقوق کارگران را تقویت کنید. دستگیر شدگان اول مه سقر باید فوراً آزاد شوند.

## دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

توافق بر سر تعلیق تصمیمات همایش یزد که تا مرداد ماه معلمان را منتظر نگه میدارد و به خانه میفرستد، به معنای از دست رفتن فرصتهای کنونی است. این مشکل باید به شیوه های دیگر جبران شود. ما تا پایان سال تحصیلی کمتر از ۲ ماه فرصت داریم. باید در این مدت فشارمان را بگذاریم. نباید به ستمگران و کسانی که میلیونها انسان را به مرگ تدریجی محکوم کرده اند، فرصت نفس تازه کردن داد. پایان سال تحصیلی و تعطیل مدارس هم نباید مانع ادامه مبارزه پیگیر معلمان شود. علیرغم تعطیلی تابستان هنوز شانس جلب حمایت عملی دانش آموزان از معلمان هست. در مدت تعطیلات هم امکان برگزاری اجتماعات بزرگ و یا تحصن در ادارات آموزش و پرورش هست. علاوه بر آن فرصتی است که معلمان صفوف خودشان را جمع و جور کنند. میشود ناهماهنگی و عدم یکپارچگی کنونی را برطرف کرد، مجامع عمومی بزرگ برپا کرد، میتوان کنفرانس ها و سمینارهای بزرگ برای تبادل نظر و تصمیم گیری و متحد کردن صفوف معلمان، گرفت. میتوان و باید شرایط کار معلمان، تصاویر زندگی فلاکتشان را جلو روی جامعه گذاشت. محتوای غیرعلمی و ارتجاعی دروسی را که به معلمان و دانش آموزان تحمیل کرده اند باید افشا کرد. "تشریه قلم" معلم را دوباره راه اندازی کرد و حتی اخبار معلمان را به صورت خبرنگارانه و اطلاعیه و غیره منتشر کرد و وسیعاً پخش نمود، این کار دیگر مجوز نمیخواهد.

محکوم کردن ما به زندگی فلاکتبار جرم و جنایت است. مجرمین باید تسلیم شوند و جواب بدهند، این کمترین توقع و فوری ترین خواست معلمان است.

## یک

## دنیاى بهتر

برنامه

حزب کمونیست

کارگری

را بخوانید!

## اعتراض اتحادیه های کارگری به جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران کمیون و سیعی را برای آزادی فوری دستگیر شدگان اول مه سقز در داخل ایران و در سطح بین المللی سازمان داده است. در خارج کشور، بدنسبال تماسهای فوری کادرهای حزب در کشورهای دانمارک و سوئد و فنلاند، اتحادیه های ساختمانی دانمارک، کنفدراسیون سراسری اتحادیه های سوئد، و اتحادیه کارگران شیمی و مرکز همبستگی اتحادیه های فنلاند طی نامه هایی به خاتمی و سفیر حکومت اسلامی شدیداً به جمهوری اسلامی اعتراض کردند و هجوم حکومت اسلامی را به مراسم اول مه کارگران محکوم کرده اند و خواهان آزادی فوری دستگیرشدگان شده اند. بخشی از متن این نامه ها که نسخه ای از آنها برای واحدهای حزب در این کشورها ارسال شده چنین است:

### اتحادیه های ساختمانی دانمارک

آندرسن اولسن، رئیس هماهنگی اتحادیه های ساختمانی دانمارک که ۱۶ اتحادیه ساختمانی را نمایندگی میکند، در نامه ای به محمد خاتمی گفته است: "این شرم آور است که حکومت شما به فعالین کارگری که در مراسم اول مه شهر سقز شرکت کرده بودند حمله کرده و شماری از آنها را دستگیر نموده است. شما با این کار ابتدایی ترین حقوق برسمیت شناخته شده کارگران را که مندرج در قراردادها بین المللی سازمان ملل و سازمان جهانی کار میباشد، زیر پا گذاشته اید. کمیته هماهنگی اتحادیه های ساختمانی دانمارک که ۲۰ هزار کارگر ساختمانی را نمایندگی میکند قویاً به این تخطی اساسی حقوق اساسی انسانی که توسط حکومت شما صورت گرفته اعتراض میکند ... ما قویاً اقدامات شما را محکوم میکنیم و خواهان آزادی فوری کارگران هم طبقه ای خود که در سقز در اول مه دستگیر شده اند میباشیم. در صورتیکه بنا به خواست ما و حقوق پایه ای بین المللی انسانی عمل نکنید ما آماده ایم که دست به افشاگری وسیع علیه حکومت ایران بزنیم.

### کنفدراسیون سراسری اتحادیه های سوئد

وانیا لوند بی ویدین، رئیس

## دستگیر شدگان اول مه سقز باید فوراً آزاد شوند

### کارگران و مردم آزادیخواه

روز ۱۲ اردیبهشت، اول ماه مه، نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی به مراسم کارگران در شهر سقز حمله کرده و ۵۱ نفر از فعالین و نمایندگان کارگران و شرکت کنندگان در مراسم را دستگیر کردند که در حال حاضر تعدادی از آنها از جمله محمود صالحی، جلال حسینی، برهان دیوانگرد، هادی تنومند، محمد عبیدی پور، اسماعیل خودکام و محسن حکیمی در زندان و در اعتصاب غذا بسر میبرند. این عمل وحشیانه رژیم باید با عکس العمل قاطع و قدرتمند کارگران و همه مردم آزادیخواه در سراسر کشور پاسخ بگیرد.

این حق کارگران و همه مردم است که تجمع کنند و اول ماه مه، روز جهانی کارگر، را بزرگ بدارند. این حق مردم است که آزادی تجمع و بیان و عقیده داشته باشند. این حق

مردم است که جمع شوند و نسبت به زندگی فقیرانه و زیر خط فقر خود، به استثمار خود، به نداشتن مسکن و کار و بیمه، به نداشتن آزادی و رفاه، به بیحقوقی و سرکوب اعتراض کنند. این حق مردم است که جمع شوند، اعتراض کنند، اعتصاب کنند و خواهان یک زندگی انسانی شوند. اگر کسی باید دستگیر و محاکمه شود این سران جمهوری اسلامی هستند که ۲۵ سال است به جنایت علیه مردم مشغولند.

### کارگران، دانشجویان، معلمان، جوانان، مردم شریف و آزادیخواه:

حزب کمونیست کارگری همه شما را فرامیخواند، به هر شکل ممکن به این عمل رژیم اعتراض کنید و خواهان آزادی فوری دستگیرشدگان بشوید. حزب اقدامات وسیعی را در سطح بین المللی برای آزادی دستگیرشدگان اول مه شروع کرده

است تا هرچه بیشتر جمهوری اسلامی تحت فشارهای جهانی قرار داده شود. در داخل کشور نیز لازم است کارگران مراکز مختلف کارگری، دانشجویان، معلمان، جوانان و همه مردم شریف و آزادیخواه، بلافاصله عکس العمل نشان دهند و دستگیرشدگان را تنها نگذارند. از تعطیل کار و دست زدن به اعتصاب تا صدور قطعنامه، از تومارهای اعتراضی تا نامه به مراجع بین المللی و هر شکل دیگری که ممکن میدانید، حکومت اسلامی را برای آزادی فوری و بی قید و شرط دستگیرشدگان اول مه تحت فشار قرار دهید. حکومت اسلامی باید با جنبش اعتراضی وسیعی در سراسر کشور مواجه شود. حکومت اسلامی باید دستگیرشدگان را فوراً و بدون هیچ قید و شرطی آزاد کند.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۳، ۴ مه ۲۰۰۴

## اتهامات دو خردادی علیه حزب کمونیست کارگری

### درمورد دو اطلاعیه محفل موسوم به

### "اتحادیه سوسیالیستهای انقلابی ایران"

میشناسد و نه نفوذ اجتماعی آنرا. این جماعت پرت تر از آن است که تصور کند کسی که قطعنامه و مطالباتی شبیه به حزب کمونیست کارگری طرح و توزیع میکند، الزاماً نه عضو حزب است و نه با حزب ارتباط دارد. نفوذ اجتماعی حزب آنقدر هست که در میان بخشهای مختلف مردم از کارگر و دانشجو تا زن و معلم و طرفداران حقوق کودک و غیره حرفها و مطالبات شبیه حزب شنیده شود. ولی آیا نفرت این جماعت از حزب کمونیست کارگری میتواند توضیح دهنده این ناشیگری باشد؟ این سوالی است که نویسندگان این دو اطلاعیه باید پاسخگو آن باشند.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۵ مه ۲۰۰۴، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۳

از این جماعت باید پرسید که اگر ریگی در کفش ندارید و صرفاً منظوراتان پلیمیک و "افشاگری" علیه یک جریان اپوزیسیون است، پیش کشیدن مدل ماشین و غیره چه کمکی به شما میکنند. آیا جز این است که با اینکار، در شرایط سلطه خفقان، فقط فضای فعالیت سیاسی را ناامن میکنید؟ این رفتار شبیه پلیسی قرار است در خدمت اثبات کدام تر از این وامانده های سیاسی قرار گیرد! لازم به توضیح است که سازمان زحمتکشانش نیز در ماههای اخیر دست به اقدام مشابهی زده و عده ای از فعالین کارگری در داخل کشور را با اسم و رسم به جریانات سرنگونی طلب نسبت داده و با اعتراض فعالین کارگری در ایران مواجه شده است.

"اتحادیه سوسیالیستها" نه سنت سیاسی حزب کمونیست کارگری را

اخیراً محفلی بنام "اتحادیه سوسیالیست های انقلابی ایران" طی دو اطلاعیه پی در پی با امضاهای متفاوت، بی بضاعتی سیاسی خود را به نمایش گذاشته است. در یکی از این اطلاعیه ها عنوان شده است که در یکی از مراسم های اول مه در تهران فعالین حزب کمونیست کارگری آنرا به آشوب کشیده و قصد بر هم زدن مراسم را داشته اند. قبلاً چنین اتهاماتی از جانب جریانات دو خردادی نوع اکثریت توده ای و خیال گسترده محافل ملی اسلامی عنوان میشد که امروز با ورشکستگی دو خرداد رسواتر از قبل به سوراخ هایشان خیزیده اند. اینبار این سلاح کهنه بدست این "اتحادیه" چند نفره افتاده است و چقدر ناشیانه، در همان قدم اول خود را لو دادند و ماهیت غیرمستول و نابالغ خود را به همگان نشان دادند. این جماعت خواسته یا ناخواسته درمورد کسانی که به زعم اینان از فعالین حزب بوده اند، به ساوامای جمهوری اسلامی اطلاعات میدهد و کم مانده که شماره ماشین آنها را نیز در اختیار پلیس قرار دهد.